

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالة الإيقاظات

في خلق الأعمال

المعلم الثالث الأمير محمد باقر الدّاماد

(ميرداماد)

تحقيق وتصحيح:

حامد ناجي اصفهاني



تهران، ۱۳۹۱



موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

سرشناسه	میرداماد، محمد باقر بن محمد، - ۱۰۴۱ق.
عنوان و نام پدیدآور	رساله الايقاظات فی خلق الاعمال/ تالیف محمدباقر الداماد (میرداماد)؛ تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی.
مشخصات نشر	تهران : موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	چهل و دو، ۱۳۴ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۰۳۶-۸۶۲۰
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عربی.
یادداشت	کتاب حاضر به مناسبت نخستین همایش بین المللی مکتب فلسفی اصفهان منتشر شده است.
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۳۱ - ۱۳۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	نمایه.
موضوع	جبر و اختیار
موضوع	جبر و اختیار -- جنبه های قرآنی.
شناسه افزوده	ناجی اصفهانی، محمد، ۱۳۴۵ - ، مصحح
شناسه افزوده	همایش بین المللی مکتب فلسفی اصفهان (نخستین : ۱۳۹۱ : اصفهان)
شناسه افزوده	موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
رده بندی کنگره	۱۳۹۱ بر ۹۴۴/۶/۲۱۹ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۶۵
شماره کتابشناسی ملی	۳۰۷۲۵۵۲

رسالة الايقاظات

محمد باقر داماد (میرداماد)

تحقیق و تصحیح: حامد ناجی اصفهانی

چاپ اول: ۱۳۹۱

چاپ و صحافی: طرفه

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

حق چاپ و نشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، کوچه شهید آرکلیان، شماره ۴

تلفن: ۰۵۴۴۵۰۶۶۴؛ نمابر: ۰۶۶۹۵۳۳۴۲

ISBN 978-964-8036-86-2

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۳۶-۸۶-۲

www.iriip.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتب فلسفی اصفهان اصطلاحی مستحدث نزد پژوهشگران عرصه‌ی مطالعات سنت حکمی و عرفانی عالم اسلام است. حکیمان حوزه‌ی اصفهان به خوبی نشان دادند که استمرار واقعی این سنت و انتقال روح آن از عصر فارابی و ابن سینا به بعد، نه از مجرای چهره‌هایی مانند ابن رشد اندلسی، که از طریق حکمایی مانند میرداماد، مؤسس مکتب اصفهان میسر است؛ و این طریقی بود که پیشتر به همت حکیمان و عارفانی مانند شیخ اشراق، ابن عربی، خواجه طوسی، ابن ترکه اصفهانی، سید حیدر آملی، ابن‌ابی‌جمهور احسایی و اعظم حوزه‌ی شیراز هموار شده بود.

نشاط فکری، رونق حوزه‌های درسی، جامعیت، تلفیق مشارب گوناگون فکری در عین خلاقیت و نوآوری، جمع میان عقلانیت و معنویت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های روز و مهم‌تر از همه عرضه‌ی آموزه‌هایی برآمده از روح و باور شیعی، رویداد بزرگی بود که حاصل آن به تعبیر برخی از محققان معاصر **حکمت معنوی تشیع** است. این شیوه‌ی نوین فکری، توجهی ویژه به متن قرآن کریم و روایات و ادعیه‌ی مأثوره از پیشوایان دین داشت که با بهره‌گیری از تأویل توانست خلاء موجود در حکمت اسلامی دوران پیش از خود را به خوبی جبران کند.

حوزه‌ی فلسفی اصفهان، سایر مشارب فلسفی قدما را نیز در بطن خود حفظ و بازسازی کرد و حتی با توانی بیش از قبل، ضامن تداوم آن‌ها شد. از باب نمونه، بیشترین حواشی و تعلیقات بر شفا‌ی شیخ‌الرئیس در همین دوران نگاشته شد؛ متون حکمت اشراق به نحو گسترده شرح و تدریس می‌شد، و عرفان ابن عربی نیز همچنان رواج و تداوم داشت. افزون بر این، حکیمان مثاله این حوزه، این توفیق را نیز داشتند که مکتب اخلاقی- عرفانی تشیع را قوام بخشیده و به تربیت نفوس و ارتقای معنوی اهل سلوک همت گمارند.

گفتنی است اصطلاح **مکتب فلسفی اصفهان** به جریان خاصی از حکمای اصفهان اطلاق نمی‌شود. در درون این مکتب، افزون بر حوزه‌ی میرداماد و شاگردانش که به **حکمت یمانی** نیز شهرت یافت، **حکمت ایمانی** یعنی طریق خاص فکری و عملی شیخ بهایی، **حکمت تطبیقی** که بر مدار آرای حکمی میرفندرسکی استوار شد، **حکمت متعالیه** صدرایی و بالاخره **حکمت تنزیهی** ملارجبعلی تبریزی نیز جای می‌گیرند.

آنچه از مآثر حکیمان مثاله آن عصر طلایی در دوران صفویه از سده یازدهم هجری به بعد بر جای مانده است، مجموعه‌ای گرانسنگ از معارف حکمی به شمار می‌رود که از حیث کمّی و کیفی با هیچ دوره‌ای از ادوار و حوزه‌های از حوزه‌های فرهنگ کهن اسلامی ایران، پیش و پس از آن، قابل مقایسه نیست.

بر بخش بزرگی از این میراث عظیم فکری و معنوی، با گذشت سه- چهار سده، همچنان گرد غربت در کتابخانه‌های شخصی و عمومی نشسته است. آیا جای این پرسش نیست که حتی فهم صحیح حکمت صدرایی - که مشهورتر از سایر مشارب حکمی حوزه اصفهان است- جز با آگاهی بر فعالیت‌های فلسفی زمانه‌ی او و چالش‌های میان او با سایر مکاتب و جریان‌ها چگونه ممکن است؟ نیز چگونه می‌توان به طرح حکمت و فلسفه‌ی زنده، مؤثر و تحرک‌زا در ایران برای مواجهه با مقتضیات عالم معاصر، جز با إشراف بر آثار و مآثر فلسفی آن عهد باشکوه، توفیق یافت؟

در چند دهه‌ی گذشته استادان و محققانی از جمله شادروان استاد سید جلال‌الدین آشتیانی به پیشنهاد اسلام‌شناس فقید فرانسوی هانری کربن در جهت معرفی آثار حکمای شیعی عصر صفوی به چاپ و انتشار نمونه‌هایی از متون حکمی و عرفانی حکمای اصفهان از میرداماد و میرفندرسکی تا بیدآبادی و نراقی در چهار مجلد مبادرت نمودند. چند سال پیش نیز در همایش بین‌المللی «از اصفهان تا قرطبه» پاره‌ای از متون حکمای اصفهان چاپ و منتشر شد. با وجود این، ثلث آثار حکمی به جای مانده از حکیمان اصفهان نیز هنوز چاپ نشده است؛ از این‌رو به نظر می‌رسید که بهانه‌ی گردهمایی بین‌المللی، می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای إحيای آثار این بزرگان فراهم آورد و برای نخستین‌بار به گونه‌ای مستقیم و با محوریت کتب و آثار حکیمان اصفهان عصر صفوی به نشر آن‌ها مبادرت نمود.

پس از اعلام فراخوان **همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان** و آغاز به کار دبیرخانه و کميته‌ی علمی همایش، افزون بر کار بررسی مقالات رسیده، تصحیح و تحقیق آثاری از حکیمان این حوزه و نیز نگارش کتاب‌های جداگانه درباره‌ی فعالیت‌های فلسفی این دوره و معرفی حکمای اصفهان، در دستور کار دبیرخانه‌ی همایش قرار گرفت.

آن دسته از آثاری که امیدواریم برای این همایش انتشار یابند، از این قرارند:

شرح التائیه الکبری صائن الدین علی ابن التکره اصفهانی، الشوارق ابوالحسن قائنی کاشانی، الافق المبین میرداماد، رساله الايقاظات فی خلق الاعمال میرداماد، خطفات القدس میر سید احمد علوی، الكلمة الطيبة فیاض لاهیجی، شرح فارسی تهذیب المنطق فیاض لاهیجی، بیان الاسرار (در شرح مصباح الشریعه) شیخ حسین زاهدی، مجموعه رسائل فارسی ملا اسماعیل خاتون آبادی، شرح العرشیه ملا اسماعیل واحد العین، ساقی‌نامه‌ی ابوطالب فندرسکی، سیر تحول حوزه فلسفی اصفهان از ابن سینا تا ملاصدرا، مکتب فلسفی شیراز، مکتب فلسفی

اصفهان، فرهنگ اصطلاحات کلامی فیاض لاهیجی، جریان های فکری حوزه علمیه اصفهان، دیدار با فیلسوفان سپاهان، مکتب فلسفی اصفهان از دیدگاه دانش پژوهان.

البته این گامی است نخست در معرفی میراث حکمی و معنوی تشیع؛ و از آن جا که انتشار این حجم از آثار به جای مانده، کار و برنامه‌ی موسعی را می‌طلبد، تصمیم بر این شد تا قلمرو منشورات نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان، به آثار حکمای عصر صفوی از میرداماد تا حکیم خواجه‌ی اختصاص یابد. این مجال که به لطف و عنایت حق و حسن توجه تنی چند از محققان و فضلاء گرانقدر و شماری از نهادها و مراکز و مؤسسات دینی و پژوهشی فراهم شد، به مثابه‌ی آغاز راه و طلیعه‌ی عرصه‌ای است سرشار از ذخائر علمی و معنوی.

امید آن‌که بتوانیم با استعانت از توفیقات پروردگار حکیم و مساعدت‌های مسئولان فرهنگی کشور و کلیه‌ی علاقمندان به احیای حکمت اصیل شیعی، گام‌های بعدی و مؤثرتری را در خصوص احیای آثار سایر حکمای اصفهان برداریم.

گروه فلسفه‌ی دانشگاه اصفهان به عنوان برگزارکننده‌ی این همایش، با سپاس از الطاف ایزد بی‌همتا، از کلیه‌ی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، مسئولان اجرایی، اساتید و دانشجویانی که ما را در هر چه بهتر برگزار شدن همایش، امور اجرایی آن، چاپ و نشر آثار و سایر موارد یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماید.

۱- اعضای شورای سیاست‌گذاری:

آقایان آیت الله حاج سید محمد خامنه‌ای، حجة الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن مظاهری، دکتر محمد حسین رامشت، دکتر محمد بیدهدی، دکتر حسین کلباسی، دکتر سید مرتضی سقائیان نژاد، دکتر مهدی جمالی نژاد، دکتر احمد علی فروغی، دکتر محمد فضیلتی، مهندس مصطفی بهبهانی، سردار کریم نصر اصفهانی، مهندس علی کلباسی.

۲- اعضای کمیته‌ی علمی (به ترتیب الفبا):

آقایان دکتر محمدعلی اژه‌ای، دکتر مهدی امامی جمعه، دکتر مرتضی حاج حسینی، دکتر مهدی دهباشی، دکتر علی ربانی، دکتر جعفر شانظری، دکتر مجید صادقی، دکتر محسن محمدی فشارکی، دکتر محمد مشکات، دکتر اصغر منتظر القائم، دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد، دکتر حامد ناجی اصفهانی، حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ مجید هادی زاده.

۳- ریاست محترم مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران، جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر عبدالحسین خسروپناه که ضمن عنایت خاص نسبت به این رویداد فرهنگی بزرگ، به پیشنهاد استاد محترم جناب آقای دکتر حسین کلباسی اشری، با چاپ منشورات همایش توافق نمودند. بدین ترتیب هزینه‌های آماده‌سازی آثار از حروف‌چینی تا صفحه‌آرایی بر عهده‌ی دبیرخانه‌ی همایش و چاپ و انتشار آثار توسط آن مؤسسه‌ی گرانقدر انجام می‌شود. در این‌جا از کلیه‌ی مسئولان و مدیران این مؤسسه، معاونت پژوهشی، واحد چاپ و انتشارات و سایر دست‌اندرکاران صمیمانه سپاسگزاری می‌نماییم.

۴- دانشگاه‌هایی که در شهر اصفهان حق‌التحقیق صاحبان آثار و منشوراتی که به چاپ خواهد رسید را به عهده گرفته‌اند:

الف) دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ب) دانشگاه پیام نور استان اصفهان. بدین‌وسیله از رؤسای محترم، معاونین پژوهشی و سایر مسئولان این دو دانشگاه قدردانی و تشکر می‌نماییم.

۵- جناب آقای سعید محمدی دبیر کمیته‌ی اجرایی و نیز دبیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان.

۶- سرکار خانم فریده کوه‌رنگ بهشتی مسئول دبیرخانه‌ی همایش و نیز سایر دانشجویان گروه‌های فلسفه و الهیات (فلسفه و کلام اسلامی).

علی کرباسی زاده اصفهانی
دبیر علمی نخستین همایش
بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان

تقديم به:

روح پر فتوح علامہ رجالی حضرت
آیة اللہ سیّد محمّد علی روضاتی
حشرہ اللہ مع أجداده المعصومین

فهرست مطالب

● درآمد	۱۳
پیشینه اقوال وارد در نظریه جبر	۱۵
ادله معتزله برای اثبات اختیار	۱۶
ادله نقلی اثبات اختیار از نظر معتزلیان	۱۷
ادله مولوی در اثبات اختیار	۲۰
فواید نظریه اختیار و مفسد مذهب جبر	۲۲
شبهات نظریه اختیار	۲۲
پاسخ میرداماد به شبهه اراده و علیت	۲۳
تحلیل و بررسی	۲۴
انتصار	۲۶
تتمیم	۲۸
پاسخ به شبهه علم در اثبات نظریه جبر	۲۹
پاسخ به شبهه چگونگی استناد شرور به خداوند	۲۹
تحلیل چند اشکال	۳۰
چگونگی شرور	۳۲
تعیین مجوسیان امت	۳۳
گذری بر رساله الإیقاظات	۳۶

روش تصحيح	٣٧
● نصّ الإيقاظات	٣٦
التقدمة	٣
الإيقاظ الأول	١٥
الإيقاظ الثاني	٢٩
الإيقاظ الثالث	٣١
الإيقاظ الرابع	٤٣
الإيقاظ الخامس	٨٩
الإيقاظ السادس	٩٩
الفهارس	١٠٧

هو الحکیم القدير

درآمد

مسأله جبر و اختیار یکی از پیچیده‌ترین مباحث عقلانی است که از دیرباز فکر بشری را به خود معطوف داشته و در پی تحلیل آن در طی قرون متمادی قلم‌فرسایی‌های بسیاری شده است، ولی گویی هنوز قلب و اندیشه بشری از شبهه جبر خلاصی نیافته و در بستری مناسب نغوده است.

این همه، گویی از آن جاست که بشر به عقل و قدرت خود بالیده و خویش را از مصبّ وحی و ترجمان آن دور داشته. در طول تاریخ اسلام اگرچه مذهب جبر به جهم بن صفوان نسبت داده شده و خلیفه بزرگ و مکار اموی معاویه بن ابی سفیان به واسطه مطامع سیاسی و اجتماعی مروّج آن بوده، ولی گویی قدمتی افزون بر این دارد، چه به نقل ابوالاسود دوئلی، طائفه بنی قشیر از جبریان^۱ بوده‌اند.

وجود اندیشه جبر و اختیار در تاریخ اسلام، و منازعات فراوان بر سر آن، که گاه با پیامدهای اسفباری توأم بوده، خاندان وحی و عترت را بر آن داشته، که بسان سایر مبانی توحیدی، در این موضوع، حقیقت نفس‌الامری را آشکار نمایند.

خاندان وحی در این بحث با نفی جبر محض و اختیار محض، مذهب «بین الامرین» را پی نهادند، و همین آموزه به طور تعبدی و نقلی و تا حدی عقلی به متفکران شیعه به ارث رسید. ولی همواره در طرح این موضوع اشکال عمده بر سر عقلانی ساختن این آموزه و بالمآل برهانی ساختن و تفهیم آن بوده است. در این راستا برخی با طرح نظریه «فاعل مضطر» سمت و سویی عقلانی به آن دادند؛ و برخی با نفی ادله جبر محض از سویی، و نفی ادله اختیار محض از سوی دیگر، مذهب بین الامرین^۱ را اثبات کردند.

اما آنچه در طول تمام این مباحث به چشم می خورد بهره علمی صاحب نظران از اصطلاحات عقلانی عصری است که عمده بر محوریت فلسفه مشاء دور می زند و گویی تبلور تام جمیع این اندیشه ها، در آثار میرداماد به چشم می خورد. میرداماد در پی طرح حکمت یمانی در صدد عرضه عقلانی آموزه های شیعی برآمد، و به انگیزه تقارن عقل و شرع، نهایت کوشش و استعداد ژرف خویش را برای تبیین آموزه های خاص شیعه به عمل آورد، و در پیمودن این طریق به ناچار به رأی خاص امامیه در «بین الامرین» نظر افکند. وی در تحلیل این مسأله افزون بر گفتارهای ضمنی در مسفوراتش، یک اثر فلسفی - کلامی را بدین مهم اختصاص داد، این اثر رساله «الایقاظات» است که

۱. تحلیل عقلانی مذهب نورانی «بین الامرین» از سه راه میسر است: اول، مبانی نقلی و کلامی. دوم، مبانی فلسفی و سوم، مبانی عرفانی. و در طی این سه راه، شاید به حق بتوان گفت، حکیم استرآباد، به نهایت دلیل فلسفی رسیده است، و کوشش های عقلی او، نهایت تحقیقات مشائی در این مقام می باشد. اگرچه به نظر نگارنده این راه موجب رضایت باطنی انسان در حل مسأله نمی گردد. تحلیل عرفانی این معضل با ارجاع آن به وحدت شخصی وجود، و اثبات اختیار ظلی برای انسان یکی از مهمترین هماوردهای حکمی این بحث است.

در پاره‌ای از نسخه‌ها، فقط با تحریر بخش اوّل این رساله با نام «خلق الأعمال»^۱ خوانده شده است.

در این گفتار پیش از ورود به گزارش آرای وی در این باب بر پایه «الایقاضات»، نظری اجمالی به عناوین کلی مباحث جبر و اختیار خواهیم داشت.

پیشینه اقوال وارد در نظریه جبر

متکلمان اسلامی در پی تبیین صفات حضرت حق با بیان صفت عدل الهی و چگونگی جایگاه بحث حسن و قبح، بحث خود را به چگونگی فاعلیت انسان در نظام خلقت معطوف داشته‌اند، و آرای گوناگونی را در این راستا عرضه کرده‌اند، همچو: ابوالحسین بعدی و گروهی از محققان امامیه همچون علامه حلی: انسان ضرورۀ فاعل است، زیدیه، و گروهی از معتزله و امامیه: علم به فاعلیت انسان کسبی است، نه ضروری.

جهم بن صفوان: فاعل فقط حضرت حق است.

اشاعره و نجاریه: محدث فعل حضرت حق است، و عبد فقط فعل را کسب می‌کند، بنابراین بر خلاف رأی جهم، عبد قدرت بر فعل دارد، ولی فعل به حق نسبت می‌یابد.

در این مقام خود اشاعره در چگونگی تفسیر «کسب» اتفاق نظر ندارند، و هریک به گونه‌ای آن را تفسیر کرده‌اند. ابوالحسن اشعری گوید: «سنت و عادت الهی بر این قرار گرفته که هرگاه عبد رو به طاعت آورد، آن را انجام می‌دهد و

۱. از باب نمونه بنگرید: مجموعه «کلمات المحققین» و برخی نسخه‌های خطی.

قدرت بر طاعت دارد، بنابراین عبد علی رغم وجود اختیار و قدرت بر فعل، مؤثر فعل نیست و قدرت او تأثیری ندارد، زیرا لا مؤثر فی الوجود الا لله.

برخی از اشاعره در این موضوع بر این باورند که قدرت حادث عبد، دارای تأثیر در فعل است و این اثر، غیر از احداث حضرت حق می باشد. حال بعضی اشاعره گویند: این اثر همان چیزی است که موجب می گردد فعل، طاعت یا معصیت و یا غیر آن باشد. و بر همین عنوان شخص مستحق مدح یا ذم می گردد. و اما گروهی دیگر از اشاعره با قبول این تأثیر، چگونگی اثر آن را غیر معلوم می دانند.

ابواسحاق اسفراینی گوید: «فعل به قدرت حضرت حق و عبد با هم وقوع می یابد».

ابوالحسین بصری و امام الحرمین جوینی گویند: «اراده و قدرت عبد در صدور فعل، در واقع فعل حضرت حق است».^۱

ادله معتزله برای اثبات اختیار

۱. اگر افعال عباد، مخلوق حضرت حق باشد، فرقی بین حرکت های انسان ها و جمادات باقی نمی ماند، و بداهت عقلی منافی این فرض است.

۲. اگر افعال عباد، مخلوق باشد، تکلیف بر آنان قبیح خواهد بود، حال آنکه تمامی مفاد شرع، دال بر تکلیف بر عباد است.

۳. بر فرض فرق عذاب الهی در قیامت که در شرایع بدان تصریح شده موجب جواز ظلم بر حضرت حق است.

۴. وجود کراهت در انجام بعضی افعال و دریافت معرفتی آن، منافی نظریه جبر می باشد.^۱

ادله نقلی اثبات اختیار از نظر معتزلیان

معتزله، جهت اثبات اختیار با بهره از آیات قرآن کریم، ادله ذیل را عرضه داشته اند:

۱. حضرت حق فعل را به عباد نسبت داده است: ﴿قَوْلِ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ﴾^۲، ﴿إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ﴾^۳، ﴿حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۴، ﴿بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا﴾^۵، ﴿فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ﴾^۶، ﴿مَنْ يَفْعَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ﴾^۷، ﴿كُلُّ أَمْرٍ بِنَا كَسَبَ رَهِيْنٌ﴾^۸، ﴿إِلَّا أَنْ دَعَوْتَكُمْ فَأَسْتَجِبْتُمْ لِي﴾^۹.

۲. در آیات الهی مؤمنان بر ایمانشان مدح و بر کفرشان ذمّ شده اند و در نتیجه مستوجب ثواب و عقاب دانسته شده اند: ﴿الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ﴾^{۱۰}، ﴿فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^{۱۱}، ﴿وَإِذْ أَخْبَرْنَا الْبَنِيَّائِينَ أَنَّا مُخْرِجُونَكَ مِنْهَا وَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعْمَلُ بِمَا تُبْصِرُ وَلَا تَشْهَدُ بِمَا لَا تَعْلَمُ﴾^{۱۲}، ﴿لَتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ﴾^{۱۳}، ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾^{۱۴}، ﴿لَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^{۱۵}، ﴿فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾^{۱۶}، و

۱. همان، ص ۲۳۶.	۲. بقره / ۷۹.
۳. انعام / ۱۱۶	۴. رعد / ۱۱
۵. بقره / ۷۹.	۶. انعام / ۱۱۶
۷. رعد / ۱۱	۸. بقره / ۷۹.
۹. انعام / ۱۱۶	۱۰. غافر / ۱۷
۱۱. یس / ۵۴	۱۲. غافر / ۱۷
۱۳. یس / ۵۴	۱۴. الرحمن / ۶۰
۱۵. یس / ۵۴	۱۶. انعام / ۱۶۰

مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ^١، ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي^٢﴾، ﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا^٣﴾، ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ^٤﴾، ﴿جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^٥﴾، ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ^٦﴾، ﴿مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ^٧﴾.

٣. حضرت حق خود را از افعال بندگان مبرا و منزّه داشته است: ﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ^٨﴾، ﴿وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ^٩﴾، ﴿لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ^{١٠}﴾، ﴿وَلَا يُظْلَمُونَ فِتْيَلًا^{١١}﴾، ﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ^{١٢}﴾، ﴿وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا^{١٣}﴾، ﴿مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ^{١٤}﴾، ﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ^{١٥}﴾، ﴿لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ^{١٦}﴾، ﴿لِمَ تَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ^{١٧}﴾.

٤. حضرت حق، خود بندگان را مخیر در افعال کرده است: ﴿فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ^{١٨}﴾، ﴿فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا^{١٩}﴾.

٥. آیات الهی انسان را به پیشی گرفتن در طاعات امر کرده است: ﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ^{٢١}﴾، ﴿إِزْكُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ^{٢٢}﴾. ٢٣.

- | | |
|--|---------------------------------|
| ١. یس / ٥٤ | ٢. انعام / ١٦٠ |
| ٣. بقره / ٨٦ | ٤. آل عمران / ٩٠ |
| ٥. احقاف / ١٤ | ٦. آل عمران / ٩٠ |
| ٧. احقاف / ١٤ | ٨. فصلت / ٤٦ |
| ٩. هود / ١٠١ | ١٠. غافر / ١٧ |
| ١١. نساء / ٤٩ | ١٢. بقره / ٢٨ |
| ١٣. نساء / ٣٩ | ١٤. اعراف / ١٢ |
| ١٥. مدثر / ٤٩ | ١٦. آل عمران / ٧١ |
| ١٧. مدثر / ٤٩ | ١٨. کهف / ٢٩ |
| ١٩. انسان / ٢٩ | ٢٠. مناهج الیقین، صص ٢٣٦ - ٢٣٩. |
| ٢١. مناهج الیقین، صص ٢٣٦ - ٢٣٩. | ٢٢. مناهج الیقین، صص ٢٣٦ - ٢٣٩. |
| ٢٣. ر.ک. به: مناهج الیقین، صص ٢٣٦ - ٢٣٩. | |

۶. برخی از آیات الهی انسان را به یاری گرفتن از حضرت حق می خواند:
- ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾^۱، ﴿فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾^۲.
۷. پاره‌ای از آیات نشانگر اعتراف انبیاء به ظلم^۳ بر خودشان است و این اعتراف با نظریه جبر سازگار نیست. آدم (ع): ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا﴾^۴. یونس (ع): ﴿سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾^۵. موسی (ع): ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي﴾^۶. یعقوب (ع): ﴿بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ﴾^۷، ﴿مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي﴾^۸. نوح (ع): ﴿رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾^۹.
۸. کافران و عصیان‌گران در روز قیامت اقرار به کفر و معاصی خود می کنند:
- ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ... أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ﴾^{۱۰}، ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلُومِينَ﴾^{۱۱}، ﴿كُلَّمَا أَلْقَىٰ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتُهُمْ خَزَنَتُهَا... فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا﴾^{۱۲}، ﴿أُولَٰئِكَ يَنْتَهِمُ نَصِيْبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ... فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ﴾^{۱۳}.
۹. پاره‌ای از آیات الهی مشعر بر این است که گروهی در قیامت بر کفر و گناهشان نادم و متحسر می گردند و درخواست رجعت به دنیا جهت بازسازی اعمالشان می کنند: ﴿وَهُمْ يَصْطَرِّحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا

۱. فاتحه / ۵
 ۲. نحل / ۹۸
 ۳. این اعتراف منافی عصمت انبیا نیست. ۴. اعراف / ۲۳
 ۵. انبیاء / ۸۷
 ۶. قصص / ۱۶
 ۷. یوسف / ۱۸
 ۸. یوسف / ۱۸
 ۹. هود / ۴۷
 ۱۰. سبا / ۳۱ - ۳۲
 ۱۱. مدثر / ۴۲ - ۴۳
 ۱۲. سبا / ۳۱ - ۳۲
 ۱۳. اعراف / ۳۷ - ۳۹

نَعْمَلُ^۱، ﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا﴾^۲، ﴿قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا﴾^۳، ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ﴾^۴، ﴿أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَىٰ الْعَذَابَ لَوْ أَنِّي كُنتَ فَاكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۵.

۱۰. برخی از آیات الهی عباد را به واسطه کفر و معصیتشان سرزنش کرده است: ﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ﴾^۶، ﴿وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ﴾^۷، ﴿وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ﴾^۸، گفتار خداوند به ابلیس: ﴿مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ﴾^۹ و گفتار موسی (ع) به برادرش: ﴿مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا﴾^{۱۰}، ﴿لَمْ تَلَيْسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ﴾^{۱۱}، ﴿لَمْ تَصْدُونِ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾^{۱۲}.^{۱۳}

ادله مولوی در اثبات اختیار

عارف حکیم ملا جلال الدین رومی اگرچه خود وامدار تفکر عرفانی است و با نگرشی خاص به بحث جبر و اختیار می نگرد، در مجموع هفت دلیل را در نفی جبر محض عرضه داشته است:^{۱۴}

۱- پشیمانی بر فعل که نافی جبر است.

جبر بودی کی پشیمانی بدی ظلم بودی کی نگهبانی بدی

۲. مؤمنون / ۱۰۷

۴. فاطر / ۳۷

۶. نساء / ۳۹

۸. نساء / ۳۹

۱۰. آل عمران / ۷۱

۱۲. آل عمران / ۹۲

۱. فاطر / ۳۷

۳. مؤمنون / ۹۹ - ۱۰۰

۵. زمر / ۵۸

۷. ص / ۷۵

۹. ص / ۷۵

۱۱. آل عمران / ۷۱

۱۳. تلخیص المحصل، صص ۳۳۱ - ۳۳۲.

۱۴. این ادله برگرفته از استقصای استاد جلال الدین همایی است. مقالات ادبی، صص ۲۶۸ - ۲۷۴.